

گوش دراز و هتل

این دفعه گوش دراز به کار تو هتل هامپی خرسه پیدا کرده.

چیزهایی که روی میز مشتری‌ها
باقی مونده رو بریز تو سطل آشغال

من باید چی کار کنم؟

خیلی خب گوش دراز، امروز توی هتل خیلی مهمون داریم.

کمی بعد هامپی چند تا مشتری را دید که داشتند سر گوش دراز داد می‌زدند

فهمیدم، نگران نباشید

من یک دقیقه رفتم دست‌شویی و گوش دراز گوش‌ام
رو از روی میزم برداشت و انداخت توی سطل آشغال!

این جا چه خبره قربان؟

کیف پول من رو هم انداخت تو سطل
آشغال! من فقط رفتم به بطری آب بگیرم!

منظورم پس مونده‌غذاها
بود نه وسایل مشتری‌ها!

گوش دراز! چرا وسایل
مشتری‌ها رو انداختی دور!

خب باید زودتر می‌گفتین!

خودتون گفتین وسایلی رو که روی میزها
باقی می‌مونه بندازم تو سطل آشغال!

امیدوارم از اقامت این جالذت برده باشید!

شما باید خسارت وسایل مون رو بدین!

از این‌جا برو بیرون!

بیچاره شدم!

قاصدک

شماره ۳۴

۳۰ بهمن

۱۳۰۰

داستان
تصویری

۱۴

گوش‌دراز
ماجرای

ترجمه: سپهر سپاهی پونسی